لام امر در «و لتكملوا العدة» در کلام قطب راوندی

دیروز اول راجع به آیه شریفه صحبت می‌کردیم که «و لتکملوا» عطف به چیست. محذوفی که در اینجا داریم، قبل از «و لتکملوا» است یا بعدش است؟ اگر قبلش باشد، عطف موضع به موضع می‌شود. «لیسهل علیکم و لتکملوا العدة»، یا اینکه محذوف بعد از «لتکملوا» است؛ «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ»، «و لتکملوا العدة شرع ذلک». یعنی شما هستید «عدة من ایام اخر». «شرع» خبر آن می‌شود.

بنابر این دو احتمالی که در مجمع فرموده‌اند، دیگر چیزی مطرح نیست. ولی در همین صفحه از فقه القرآن مرحوم راوندی ارسال کرده‌اند؛ در فقه القرآن در دو جا از این آیه صحبت شده. یکی حدود صفحات صد و هشتاد و هشت است، یکی هم حدود بیست صفحه بعدش آمده است. یادتان باشد که در فقه القرآن در دو-سه موضع این آیه شریفه آورده شده است. موضع سوم‌ش که «مسالة» دارند، احتمالی را مطرح کرده‌اند. فرموده‌اند:

> **و قوله و لتكملوا العدة، اللام فيه يجوز أن يكون للأمر كقراءة من قرأ فبذلك فلتفرحوا بالتاء و إنما أورد اللام في أمر المخاطب هنا إشعارا أن النبي ع و أمته الحاضرين و الغائبين داخلون تحت هذا الخطاب[1]**

«و قوله و لتكملوا العدة اللام فيه يجوز أن يكون للأمر»؛ تا اینجا در دو احتمالی که بررسی کردیم، لام، لام جر بود. «ان» مقدر بود. اما اساساً اینشان لام را از حرف جر بودن در آورده‌اند. فرموده‌اند لام امر است. احتمالش را داده‌اند. خُب چطور می‌شود؟! اگر اینطور بود باید بفرمایند «و اکملوا»، نه «و لتکملوا». «و اکملوا العدة و کبروا الله علی ما هداکم». امر مخاطب این است. می‌گویند نه، نظیر دارد. «كقراءة من قرأ فبذلك فلتفرحوا بالتاء»؛ «فلیفرحوا» امر غائب است. اما «فلتفرحوا»، امر مخاطب با لام؟! چه معنایی دارد؟! **«و إنما أورد اللام في أمر المخاطب هنا إشعارا أن النبي ع و أمته الحاضرين و الغائبين داخلون تحت هذا الخطاب».** تعلیقه‌ای هم در اینجا آورده‌اند. نمی‌دانم این تعلیقه ای که ارسال کرده‌اند برای چه کسی است؟ من دو کتاب را دیدم، اما در خود کتاب مطبوع این تعلیقه نبود. حال یا از جای دیگری اضافه شده یا در چاپ دیگری است.

شاگرد: در نرم‌افزار جامع التفاسیر هست.

استاد:

>

> **قال الاخفش: ادخال اللام في أمر المخاطب لغة رديئة، لان هذا اللام انما تدخل في الموضع الذي لا يقدر فيه على أفعل، و إذا خاطبت قلت قم لانك قد استغنيت عنها. قال صدر الأفاضل الخوارزمي: و الامر كما ذكره الاخفش، الا ان من المواضع ما يحسن فيه الامر باللام للفاعل المخاطب، و ذلك إذا لم يكن المأمور ثمة بعضها غائب و بعضها مخاطب، لقوله صلى الله عليه و آله «لتأخذوا مصافكم»، فالتاء تفيد الخطاب و اللام تفيد الغيبة و بمجموع الامرين يستفاد العموم، و لو قال «خذوا» لاوهم خصوص الجماعة المخاطبة، و عليه قراءته صلى الله عليه و آله «فلتفرحوا»، الفاء في فلتفرحوا مزيدة، كما في «فاجزعي» من قوله:**
>
> **لا تجزعي ان منفسا اهلكته و إذا هلكت فعند ذلك فاجزعي**
>
> **[2]**

«قال الاخفش: ادخال اللام في أمر المخاطب لغة رديئة»؛ یعنی برای مخاطب بیاوریم «لتضرب»، یعنی تو باید بزنی. نمی‌گویند «لتضرب» باید بگویند «اضرب». **«لان هذا اللام انما تدخل في الموضع الذي لا يقدر فيه على أفعل، و إذا خاطبت قلت قم لانك قد استغنيت عنها. قال صدر الأفاضل الخوارزمي: و الامر كما ذكره الاخفش، الا ان من المواضع ما يحسن فيه الامر باللام للفاعل المخاطب»؛** در مخاطب که «اضربوا» می‌گویید، یعنی باید باشند. اما اگر می‌خواهید خطابی کنید که هم کسانی باشند که هستند و هم کسانی که غائب هستند انجام بدهند، دو کار می‌کنید؛ «تاء» را برای کسانی می‌آورید که هستند، «لام» را برای امر غائب می‌آورید؛ برای کسانی که نیستند. این خیلی لطیف است. گفته جمع می‌کنید.

«و ذلك إذا لم يكن المأمور ثمة بعضها غائب و بعضها مخاطب»؛ اگر بعضش غائب باشد و بعضش مخاطب باشد مانعی ندارد. **«لقوله صلى الله عليه و آله «لتأخذوا مصافّكم»؛** حضرت می‌خواستند به کل لشگر بگویند. نگفتند «خذوا مصافکم»، فرمودند «لتاخذوا»؛ یعنی هم شما و هم کسی که نیست باید این امر را اجراء کند.

«فالتاء تفيد الخطاب و اللام تفيد الغيبة و بمجموع الامرين يستفاد العموم»؛ یعنی عموم برای حاضر و غائب؛ برای مخاطب و غیر مخاطب. «و لو قال «خذوا» لاوهم خصوص الجماعة المخاطبة، و عليه قراءته صلى الله عليه و آله «فلتفرحوا»، الفاء في فلتفرحوا مزيدة»؛ این از مواردی است که قرائة النبی است.

خُب مسلمانان که غیر از قرائة النبی که کاری ندارند، و حال اینکه همه «فلیفرحوا» می‌خوانند! در مجمع البیان به تفصیل گفته‌اند: ذیل آیه «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَٰلِكَ فَلْيَفْ

خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ[3] می‌فرمایند: برخی خواندهاند «فلتفرحوا هو خیر مما تجمعون» خواندهاند. برخی هم بین اینها تفاوت گذاشته‌اند. الآن در قرائت رایج «فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ» است. ولی قرائة النبی به این صورت خواندهاند. یعنی یک روایتی به حضرت دارند. والا از حیث قرائات نزد باحثین تقریباً این بحث جا گرفته است که آن قرائتی که مروی هست را نسبت می‌دهند، آن قرائتی که متواتر و مشهور بین مسلمین بوده قطعاً معلوم است که از حضرت بوده. متواتر سند نمی‌خواهد.

[1] فقه القرآن، ج۱، ص: ۲۰۸

[2] فقه القرآن، ج۱، ص: ۲۰۸

[3] یونس ۵۸

بازبینی #1
ایجاد شده 22 آوریل 2026 14:21:13 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 آوریل 2026 14:24:35 توسط ... .